

آخرین روز عجیب در لس آنجلس

مجموعه داستان

برگزیدگان جایزه ا. هری ۲۰۰۲

ترجمه لیدا خرنزی

آخرین روز عجیب در لس آنجلس. مجموعه داستان.
برگزیدگان جایزه ا. هنری ۲۰۰۲ / ترجمه لیدا طرزی. ویراستار لاری دارک
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۵.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۷۲-۱

مجموعه داستان برگزیدگان ا. هنری ۲۰۰۲

عنوان اصلی The Pen / O. Henry Prize stories

طرزی، لیدا، مترجم.

PS ۶۵۹ / ۲۲۳ ۱۳۹۵

۸۱۳/۶۰۸

۴۳۳۲۷۱۰

آخرین روز عجیب در لس آنجلس

برگزیدگان جایزه ا. هنری ۲۰۰۲

مترجم: لیدا طرزی

ویراستار: دکتر علی قامیان

طرح جلد از فرزاد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۵ ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۷-۸۷۲-۱

چاپ و صحافی: کانونچاپ

نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

تومان ۱۵۰۰۰

ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

۷	 مقدمه
۱۳	 سقف اثر کوین بروکمایر
۲۹	 همسر قصّاب اثر لوییس اردریش
۵۷	 صورت تخم مرغی اثر ماری یوکاری واترز
۷۳	 زندگی غریبه‌ها اثر چیترا بنرجی دیواکارونی
۹۹	 آخرین روز عجیب در گس آنجلس اثر آن بیتی
۱۲۷	 شاید پدرانه اثر هایدی یان اشمیت
۱۵۱	 انسان‌شناسی اثر آندره‌آ لی
۱۶۷	 اثاثیه خانوادگی اثر آلیس مونرو
۲۰۱	 میمنتو موری اثر جان‌اتان نولان

مقدمه

هر ساله میان هی هوی هزاران داستان کوتاه منتشر شده در صدها مجله، مجموعه‌های ادبی، از چند داستان ظهور و بروز پیدا می‌کند که مدعی است بهترین‌ها را در بر دارد. طی زمان، گاه جلد خاصی از این مجموعه به اعتباری مسلم دست می‌یابد. ولی گزینش داستان به هیچ روی امری ساده یا گریزناپذیر نیست، چه ناچار عرصه پهنآوری را در چهارچوب چند نمونه محصور می‌کند. سالانه صدها داستان نوشته و چاپ می‌شوند که درخور دریافت جایزه‌اش می‌باشند. در پایان، این فعل ضروری گزینش است که به همه چیز سرو سامان می‌بخشد.

بدیهی است که جهان هم به آن آراستگی که ما می‌پندیم نیست. داستان‌های مجموعه حاضر همگی در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده‌اند، سالی که دیر در یادها خواهد ماند برای حوادث فاجعه‌بار آلودگی و آن همه غم، ترس و خشمی که از پیش‌اش آمدند. در هیچ جلدی این مجموعه اشاره‌ای به آن حادثه ناگوار نشده است، چه بیشتر داستان‌های آن اگر نگوییم همه پیش از فاجعه به رشته تحریر درآمده‌اند. با این همه، غذرخواهی از خوانندگان باعث می‌شود از اصل مطلب غافل شویم. جان مایه‌های شخصی، عاطفی، روان‌شناختی، جریان ذهن، حرکت، و

کوچک‌ترین گزینش‌های نویسندگان همچنان جان داستان‌ها باقی خواهند ماند. این ترکیب، قدرت از آنجا دارد که انسان‌ها، صرف‌نظر از جمله آنچه اتفاق می‌افتد، جهان را در آن سطح صمیمی که داستان‌ها مضمون خود را عرضه می‌کنند تجربه می‌کنند و این رویکردی است که نویسندگان داستان کوتاه نسبت به واقعه ۱۱ سپتامبر اتخاذ خواهند کرد.

از آنجا که داستان‌ها به صورت شخصی نوشته شده‌اند، حتی ریزک‌ترین خوانندگان هم، از جمله نویسندگان برجسته‌ای که داوری داستان‌ها را برعهده دارند، با این دیدگاه نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند. در نتیجه، تمام تلاش‌هایم برای پیش‌بینی اینکه کدام داور کدام داستان را خواهد پسندید بیهوده بود. دیدگاه من در مورد نویسندگانی که در کسوت داور ظاهر می‌شوند مسلماً بر اساس مواجهه من با آثار ایشان است. ولی به خوبی آموختم که آفریده‌های یک نویسنده همیشه با سلیقه مطالعه او همخوانی ندارد.

مجال سنتی این مجموعه و سایر مجموعه‌های منتخب سالانه، اغلب داستان‌های ادبی واقع‌گرایانه را می‌پسند. با این همه جویس کارول اوتس در مورد داستان «سقف» اثر کوین بروکمایر می‌گوید این داستان در میان سطور قصه پریشان، به لحاظ سبک شناختی بسیار زیبا و پرمعناست. داستان‌های جان‌اتان نولان و دیوید لیویت نیز قُرَمِ حوا را در ابعادی غیرسنتی بسط می‌دهند. در برگرفتن چنین آثاری بر غنا و مجموعه می‌افزاید. داستان‌ها ترکیبی هستند از کار نویسندگان جاافتاده و کمتر شناخته شده، با پیشینه متفاوت. بعضی از نویسندگان مجموعه حاضر زیر سی سال سن دارند، همچون کوین بروکمایر، مارک ری لویس، و جان‌اتان نولان و دو تن از آنان یعنی لیویت و هایدی یان اشمیت واسط میان نسل قدیم و جدیدند، چه داستان‌هایشان در جنگ تأثیرگذار دهه

هشتاد، «بیست زیر سی»، هم به چاپ رسیده بود. با این حال، حتی به شوق تعادل هم نمی‌توان در این تعداد اندک، طیف کامل داستان‌های منتشر شده یک سال را منعکس کرد. تعادل ایده‌آل هم نمی‌توان برقرار نمود، زیرا مجموعه حاضر در نهایت در مورد داستان‌هایی است که ویراستاران آنها را بهترین دانسته‌اند.

جدا از عنصر مشترک کارهای پرداخت شده، مضامینی هم هستند که چند داستان را به هم مرتبط می‌کنند. مثلاً بسیاری از داستان‌ها به موضوع سرانجام خاص دارند. در گذشته، اغلب اوایل سال در مورد انتخاب یک داستان خاص تصمیم می‌گرفتم، که برگزینش‌های بعدی‌ام تأثیر می‌گذاشت. داستان «آن‌سین روز عجیب در لس‌آنجلس» اثر آن بیتی، یکی از همان داستان‌هاست که در آن مردی برای دیدن خواهرزاده‌هایش به لس‌آنجلس می‌رود و در آنجا تجربه معنوی جالبی مواجه می‌شود. سفر موضوع ادبی بسیار شگرفی است چه خود موقعیت، جابه‌جایی، بودن در یک جای ناآشنا، یا بازگشت به جایی که سال‌ها آن تعارض را که در دل هر داستان خوب است پُررنگ کرده و گاه به وجود می‌آورد. «زندگی غریبه‌ها» نوشته چیترا بنرجی، به کالونی، در مورد زن هندی‌الاصلی است که در آمریکا به دنیا آمده و برای سفری زیارتی با عمه خود به کشمیر رفته و در آنجا با نوعی خرافه بومی روبرو می‌شود که هنوز بر روی او تأثیر دارد.

دومین موضوع مشترک میان داستان‌ها مسئله ازدواج بود. زندگی هر فرد به طرز گریزناپذیری ربطی به ازدواج دارد. به هر حال، همه افراد بزرگسال یا ازدواج کرده‌اند، طلاق گرفته‌اند، بیوه‌اند، یا مجردند. در داستان «سقف» اثر کوین بروکمایر دشواری‌های یک ازدواج با یک بلای شوم آسمانی موازی می‌شود.

مضمون دیگری که در گردآوری داستان‌های این مجموعه از آن آگاه شدم، رابطه میان نویسنده و موضوعش بود. مثلاً در «اثاثیه خانوادگی» نوشته آلیس مونرو، زنی داستانی را در مورد یکی از خویشان عجیبش منتشر می‌کند و تنها سال‌ها بعد از تأثیر این کار آگاه می‌شود. در «انسان‌شناسی» اثر آندره آلی، زنی در مورد عمه‌ها و عموهای خود در کارولینای شمالی، مقاله‌ای منتشر کرده و آنها را می‌رنجاند.

موضوعات برشمرده سفر، مرگ و نوشتن- روابط جالبی را فراهم آورده‌اند، ولی لزوماً همه داستان‌ها را در برنمی‌گیرند. مثلاً در داستان «شاید بدرانه» بر هایدی یان اشمیت، قهرمان داستان برای دیدار پدرش به شهر نیویورک سفر می‌کند، ولی رابطه تیره‌اش با پدر بیش از نفس سفر اهمیت پیدا می‌کند.

یک مضمون می‌تواند به مجموعه‌ای جان ببخشد و برخی از روابط ظهور می‌یابند، چه داستان‌ها را براساس آنها برگزیده باشید یا نه، ولی من مایل نیستم آن‌چنان روی مضامین خاصی سرمایه‌گذاری کنم که از امکانات دیگر غافل شوم.

در ویرایش مجموعه حاضر، سعی‌ام بر آن بوده است که در عین جستجوی داستان‌های خاص، در برابر همه چیز برابر باشم. مضمون اصلی مجموعه‌های جایزه آهنری یک چیز است: داستان مرگ.

این مختصر علاوه بر مقدمه، متأسفانه یک تودیع هم محسوب می‌شود. این ششمین و آخرین سالی است که من در مقام ویراستار در خدمت این مجموعه هستم. از سال ۲۰۰۳ لورا فورمن این مسئولیت را برعهده خواهد گرفت. من از سپتامبر ۱۹۹۵ به کار خواندن داستان‌های جایزه آهنری مشغول شدم. از آن تاریخ حدود ۲۰/۰۰۰ داستان کوتاه روی میز آمده و در ۳۰۰ مجله گوناگون به چاپ رسیده‌اند، ولی تعداد

دقیق نویسندگان را نمی‌توانم بگویم. من این بخت را داشته‌ام که ۱۱۷ داستان را که توسط ۹۶ نویسنده نوشته شده و برای نخستین بار در ۴۱ مجله چاپ شده بودند جمع‌آوری نمایم. افزون بر آن، این سعادت را داشته‌ام که با ۱۸ نویسنده کار کنم که به عنوان داور در انتخاب داستان‌های جایزه آهنری مشارکت داشته‌اند. همچنین خوشبختم که حضوری، تلفنی، از طریق نامه، ایمیل و غیره با افرادی استثنایی آشنا شده‌ام. نویسندگان، ویراستاران مجله، ویراستاران کتاب، ناشران و خبرنگاران. اعطای جایزه هیئت داور و داوران به داستان‌های حائز رتبه نخست اعطای جایزه به مجلات، فهرست پنجاه داستان به انضمام خلاصه آنها، الحاق نویسندگان و ناشران کانادایی و مشورت با مجلاتی که وبگاه اینترنتی دارند از جمله تغییراتی بود که من در جایزه آهنری ایجاد کرده‌ام. بسیار به خود می‌بالم که توانسته‌ام در ویرایش تاریخ هشتاد و دو جلدی این مجموعه (از سال ۱۹۹۱) هم سهیم باشم. بسیاری از این داستان‌ها در سال‌های بعد هم خواننده خواهند شد. به جهاتی، خلاصی از خواندن شش یا هفت داستان در روز نوعی آزادی است، ولی آگاهی از این نکته که هر داستانی در یک مجله می‌تواند ثبت عالی باشد، و من می‌توانستم آن را در معرض مخاطبان بیشتری قرار دهم، به راه‌اندازی، گسترش یا به تصویر کشاندن یک زندگی کمک کند. نویسندگان و خوانندگان را به هم وصل کنم. هیجانی است که دلم برایش تنگ می‌شود. همه ساعات و توجهی که این کار می‌طلبد، همه نیازهای من و همه چیزهایی بودند که عاشق انجامشان بودم.

کری دارک، ۲۰۰۲